

## تأملی در باب نوشته‌های

# کتزیاس مورخ یونان باستان

■ سید حسن موسوی

### نوشته‌های کتزیاس، چون

### جنبه افسانه‌سرایی و تفریحی

### داشته، مورد توجه نویسندگان

### باستان قرار گرفته است، زیرا در آن

### دوران، تاریخ شامل تمام مطالب

### از جمله اساطیر و افساندها

می‌شیده است.

خویش ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

کتزیاس بنا به ادعای خود، در نوشتن کتاب «پرسیکا» از سالنامه‌های رسمی ایران استفاده کرده است. و در مورد کتاب «ایندیکا» مدعی است که از مشاهدات شخصی خویش و اطلاعات کسانی که خود ناظر بوده‌اند، بهره گرفته است. وی در هر دو ادعا، دروغ گفته است که به آن خواهیم پرداخت.

نوشته‌های کتزیاس، چون جنبه افسانه‌سرایی و تفریحی داشته، مورد توجه نویسندگان باستان قرار گرفته است، زیرا در آن دوران، تاریخ شامل تمام مطالب از جمله اساطیر و افسانه‌ها می‌شده است.

کتزیاس زمانی که در ایران زندگی می‌کرده به فکر نوشتن تاریخ نبوده است. پس از آن که به یونان سفر می‌کند، تحت تأثیر شهرتی که هرودت از نوشتن تاریخ به دست آورده بود قرار گرفته و چون یادداشت‌هایی در ایران تهیه نکرده بود بنابراین به اتکای حافظه خویش و رقابت با هرودت، اقدام به نگارش تاریخ می‌کند. و نوشته‌هایی خلاف گفته‌های هرودت به رشته تحریر می‌کشد.

نوشته‌های هرودت با وجود آنکه تحت تأثیر افکار یونانی‌ها بازنویسی شده، اما یونانیان معتقد بودند که هرودت در نوشته‌هایش جانب بر برها (ایرانیان) را گرفته است. بنابراین کتزیاس برای جلب رضایت آنان در نوشته‌های خویش، ایرانیان را به سختی مورد سرزنش

کتاب مورخان باستان اغلب با افسانه و مطالب سرگرم‌کننده و غیرواقعی آمیخته است. متأسفانه مورخان بعدی نیز در نوشته‌های خویش به چنین منابعی استنادجسته و دیگران نیز به اتکای همان اسناد که برخی از آنها با آثار باستانی کشف شده عقلگرایی تاریخی موافقت ندارند، مطالب خود را به عنوان تاریخ در اختیار علاقمندان به تاریخ باستان قرار داده‌اند. به همین دلیل نقد و بررسی چنین منابعی ضروری است. در این مقاله که گزیده‌ای از یک بررسی مفصل می‌باشد سعی بر این است که نوشته‌های کتزیاس، مورخ عهد باستان را هرچند مختصر به نقد کشیده و اشتباهات وی روشن گردد.

کتزیاس (ctesias) اهل کنید (enide)، مستعمره دریایی (Dorien) در آسیای صغیر بود. وی در حدود سال ۴۱۴ ق.م به اسارت ایرانیان درآمد و به دربار داریوش دوم شاه هخامنشی برده شد. کتزیاس مدتی در دربار این پادشاه و بیش از ۱۷ سال در دربار اردشیر دوم روزگار گذرانده و شاه هخامنشی برای مذاکره با یونانیان از وی استفاده می‌کرده است. کتزیاس در یکی از مأموریت‌هایش در سال ۳۹۸ ق.م از طرف اردشیر دوم به اسپارت رفت و دیگر به ایران بازنگشت و از اسپارت به وطن خویش آسیای صغیر رفت و دیگر به ایران بازنگشت و از اسپارت به وطن خویش، آسیای صغیر رفت و به نوشتن تاریخ پرداخت.<sup>۳</sup>

تألیقاتی که به کتزیاس نسبت می‌دهند بشرح زیر است:

۱- پرسیکا (تاریخ ایران) ۲- ایندیکا (تاریخ هند) ۳- کتابی درباره روده‌ها ۴- کتابی در باب کوه‌ها ۵- کتابی در دریانوردی به دور آسیا.

اما مهمترین تألیفات وی شامل ۲۳ کتاب بوده است: شش کتاب مربوط به تاریخ آشور و ماد، هفت کتاب درباره تاریخ ایران از کورش تا درگذشت خشایارشا و ده کتاب دیگر که دنباله تاریخ ایران تا ۳۹۸ ق.م را در برداشته است. کتاب‌های وی درباره ایران و هند از بین رفته است. اما خلاصه‌ای از نوشته‌های وی در کتب «فوثوس» (Photius) یکی از روحانیان مسیحی، تا زمان ما باقی مانده است. جز فوثوس، مورخان دیگری مانند دیودور سیسیلی، پلوتارک، استرابون، آنته، نیکلاوس دمشقی، دزوت و دیگران و نیز مطالبی از کتب کتزیاس را در منابع

قرار می‌دهد.

به همین دلیل مؤلفان پس از وی به نوشته‌هایش بیش از گفته‌های هرودت اعتماد و توجه کرده‌اند. حتی گروهی از مورخان یونانی، هرودت را به شدت ملامت کرده‌اند. در صورتی که نوشته‌های کتزیاس مطابق با حقیقت تاریخی نیست نه گفته‌های هرودت.<sup>۵</sup>

چرا نوشته‌های کتزیاس مطابق با واقعیت تاریخی نیست؟

۱- علی‌رغم ادعای کتزیاس، وی با زبان‌های شرقی چندان آشنا نبوده و در نتیجه توان استفاده از سالنامه‌های سلطنتی را نداشته است. از مدارک موجود چنین استنباط می‌گردد که در شهر شوش و استخر، عده زیادی یونانی در دربار شاهان هخامنشی اقامت داشته‌اند. بنابراین، یک پزشک یونانی، چون کتزیاس می‌توانست سالیان دراز در ایران زندگی کند و تنها برای رفع نیاز، زبان پارسی را بیاموزد.

اما چرا کتزیاس با خطوط میخی و شرقی، بیگانه و نا آشنا بوده است؟

این موضوع را از اظهار نظر وی درباره کتیبه بیستون می‌توان دریافت. کتزیاس درباره این کتیبه می‌نویسد: «سیرامیس ملکه بابل دستور می‌دهد، تصویرش را در این کوه نقر کنند و کتیبه‌ای به خط سریانی بنگارند!!». در حالی که واضح است که نوشته بیستون از داریوش اول شاه هخامنشی است نه سمیرامیس!! در این کتیبه، تصویر داریوش و دو نفر از جنگاوران و نه تن اسیر و شرح طغیان گنومات مع و چگونگی اسارت وی به دست داریوش بیان شده است. کتیبه بیستون به سه زبان: میخی پارسی، میخی ایلامی و میخی بابلی است نه به زبان و خط سریانی!! لذا کتزیاس با زبان و خط میخی آشنا نبوده و علی‌رغم ادعاهایش به بیگانی شاهان هخامنشی نیز دسترسی نداشته است.<sup>۶</sup>

کتزیاس از موضوع شورش گنومات علیه داریوش آگاه بوده است ولی در نوشته‌هایش، بجای گنومات از منی بنام اسفندت نام می‌برد و جز نام داریوش و ایدرن یقیه نام‌ها را اشتباه می‌نویسد.

۲- کتزیاس در بیان ماجرای انقراض آشور نیز به خطا رفته است:

کتزیاس می‌داند که آشور بر اثر اتحاد شاهان ماد و بابل منقرض شده است. اما برای وی نام‌های خاص ضرورت داشته چون نام‌های واقعی را بیاد نداشته است. بنابراین از اسامی اشخاص معاصر که در پارس و آشور (بین‌النهرین) زندگی می‌کرده‌اند، استفاده کرده است. به عنوان مثال: شاه ماد را هاریباگ و شاه بابل را بسلی نامیده است. در صورتی که شاه ماد در آن زمان هرخشتره و شاه بابل بخت‌انصر نام داشته است. این دو پادشاه، اتحادیه‌ای تشکیل داده و دولت آشور را منقرض کردند.

۳- اشتباه کتزیاس در مورد نینوا:

به عقیده کتزیاس شهر نینوا یکی از پایتخت‌های آشور در کنار فرات واقع بوده است، در حالی که این شهر در کنار دجله بوده است.

به عقیده کتزیاس، دولت ماد، خاک نینوا را در قرن نهم ق.م تصرف کرده است، یعنی پیش از فتوحات آشور،